

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 3, Spring 2020, 261-283
Doi: 10.30465/crtls.2020.5301

A Review of Philosophy, Theology, and Politics: A Reading of Benedict Spinoza's Tractatus Theologico-Politicus

Seyyed Mustafa Shahraeeni*

Mohammad Sina Mirzaei**

Abstract

The book of *Philosophy, Theology, and Politics: A Reading of Benedict Spinoza's Tractatus Theologico-Politicus* is intended to describe, analyze, and criticize the most important concepts contained in the Spinoza's book by utilizing its precious resources and with an etymological look. The inner critique in this book outweighs the outer critique. Besides, many references and explanations about Spinoza's philosophy, Bagley's work has also become an admirable book among the commentaries or readings of the English-speaking world. Spinoza's treatise is a book about theology and politics. However, Bagley holds that it is a book about theology and politics that is written by a philosopher. More precisely, it is a treatise written by someone whose allegiance is to philosophy rather than either to theology or to politics. This paper makes an effort to introduce, with a descriptive-analytical look, the formal and content structure of the Bagley's book, and then to discuss its strengths and weaknesses.

Keywords: Spinoza's *Tractatus Theologico-Politicus*, Paul Bagley, Philosophy, Theology, Politics, Inner Critique, the New MOSES.

* Associate Professor of Philosophy, University of Tabriz, m_shahraeen@yahoo.com

** PhD Student of Philosophy, University of Tabriz (Corresponding Author), sina.mirzaee@hotmail.com

Date received: 2019-12-13, Date of acceptance: 2020-04-25

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی کتاب فلسفه، الهیات، و سیاست: خوانشی از رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا نگاشته پُل بگلی

سیدمصطفی شهرآیینی*

محمدسینا میرزایی**

چکیده

کتاب فلسفه، الهیات، و سیاست: خوانشی از رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا می‌کوشد تا با بهره‌گیری از منابع وزین و با کوششی ریشه‌شناسانه (etymological)، مهم‌ترین مفاهیم مندرج در رساله اسپینوزا را نقل، تحلیل، و نقد کند. از میان دو نقد درونی و بیرونی، نقد پُل بگلی سوییۀ درونی دارد. درکنار منابع و شرح‌های فراوان درباب تفکر اسپینوزا، اثر بگلی نیز توانسته است اثری مقبول در میان شرح‌ها و خوانش‌های دنیای انگلیسی‌زبان باشد. رساله اسپینوزا اثری درباب الهیات و سیاست است؛ اما به‌باور بگلی، کتابی است الهیاتی و سیاسی که به‌قلم فیلسوفی نگاشته شده است که به فلسفه بیش از الهیات و سیاست متعهد و وفادار است. از این‌رو، رساله اسپینوزا اثری فلسفی است که کارکردهای الهیات و سیاست را در زندگی همگان از منظری فلسفی بررسی می‌کند. این نوشتار کوشیده است تا با نگاهی توصیفی - تحلیلی، ساختار صوری و محتوایی کتاب بگلی را پیش‌رو نهاد و سپس آن را از حیث توان و کاستی بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا، پُل بگلی، فلسفه، الهیات، سیاست، نقد درونی، موسای جدید.

* دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، مأمور در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

m_shahraeen@yahoo.com

** دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تبریز (نویسنده مسؤل)، sina.mirzaee@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

۱. مقدمه

در این مقاله می‌کوشیم تا از منظری توصیفی - تحلیلی کتاب فلسفه، الهیات، و سیاست: خوانشی از رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا را معرفی و در پاره‌ای موارد نقد کنیم. ساختار این نوشتار بدین شیوه است که نخست به معرفی اجمالی کتاب، نویسنده، و ویراستاران مجموعه می‌پردازد؛ سپس به آثار مرتبط و دلیل برگزیدن این اثر اشاراتی خواهد داشت. پس از آن، به ساختار صوری می‌پردازیم و آن‌گاه، معرفی و شرح هریک از فصول کتاب را، گاه با تحلیل پاره‌ای از آرای نویسنده، دست‌مایه بررسی محتوایی خواهیم کرد. در بخش پسین، نقد اثر، قوت، و کاستی آن در دو بخش صوری و محتوایی و نیز گفتاری با عنوان نتیجه‌گیری خواهد آمد.

پل بگلی در این کتاب می‌کوشد تا با رویکردی متن‌پایه و با نقد درونی بر ایضاح مفهومی کتاب اسپینوزا تأملی داشته باشد. به‌باور او، اسپینوزا موسای زمانه است، زیرا با تفسیر عقلانی کتاب مقدس توانسته است دگربار اصولی هم‌چون تعبد، پیروی از قانون الهی، قانون مدنی، و اصول اخلاق فردی و اخلاق جمعی را به کانون توجه آورد. به‌باور بگلی، اسپینوزا با پیش‌فرض هستی‌شناختی و خداشناختی این اصول را از منظری فلسفی و با رویکرد طبیعت - خداپاورانه از متن مقدس استخراج می‌کند.

هدف از نگارش رساله الهیاتی - سیاسی را از زبان خود اسپینوزا باید شنید. اسپینوزا در یکی از نامه‌هایش، به تاریخ چهارم سپتامبر ۱۶۶۵، آلدنبرگ (Oldenburg) را از نگارش این رساله مطلع می‌کند. آلدنبرگ به این نامه محتاط پاسخ می‌دهد:

اگر جایز باشد می‌خواهم بگویم که شما در این رساله بیش‌تر الهیات‌ورزی کرده‌اید تا فلسفه‌ورزی، زیرا هم‌خویش را مصروف اندیشه‌ورزی در باب فرشتگان و نبوت و معجزات کرده‌اید، اما شاید مقصودتان این باشد که به‌گونه‌ای فلسفی در این باب اندیشه‌ورزی کنید.

اسپینوزا در پاسخ می‌نویسد:

رساله‌ای که در دست نگارش دارم رساله‌ای است در باب عقاید درباره کتاب مقدس و ملاحظاتی که مرا به انجام این کار واداشته به‌قرار ذیل است:

۱. پیش‌داوری الهی‌دانان؛ زیرا می‌دانم که آن‌ها بزرگ‌ترین مانع برای آدمیانی هستند که می‌خواهند توانایی فکری‌شان را در فلسفه به‌کار بندند. بنابراین در تکاپوی ره‌اندیدن و آگاه‌کردن آن‌ها [انسان‌ها] از اندیشه‌هایی هستم که بیش‌تر مصلحت‌گرایانه‌اند؛

بررسی کتاب *فلسفه، الهیات، و سیاست*: ... (سیدمصطفی شهرآیینی و محمدسینا میرزایی) ۲۶۵

۲. نگرشی که مردم قشری از من سراغ دارند؛ آن‌ها هرگز از بُهتان و اتهام الحاد به من لحظه‌ای کوتاه نمی‌آیند و من مجبورم تاجایی که می‌توانم این اتهام را دفع کنم و پاسخ گویم؛

۳. آزادی فلسفه‌ورزی و آزادی بیان آنچه می‌اندیشیم که به هر طریقی می‌خواهم از آن دفاع کنم؛ در این جا واعظان (preachers) تا می‌توانند این آزادی را با مرجعیت مفرط و ستیزه‌جویانه‌شان سرکوب می‌کنند (Curley 1985: CW II, 11).

۲. معرفی کلی اثر و نویسنده آن

فلسفه، الهیات، و سیاست: خوانشی از رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا^۱ نگاشته پل بگلی (Paul Bagley) از چهار فصل اصلی تشکیل شده است: فصل نخست: فلسفه؛ فصل دوم: الهیات؛ فصل سوم: سیاست؛ و فصل چهارم: فلسفه، الهیات، و سیاست. در پایان کتاب بخشی با عنوان سخن فرجامین (Epilogue) آمده است. این اثر در سال ۲۰۰۸ میلادی از سوی انتشارات بریل (Brill) با همکاری دانشگاه لیدن (Leiden) هلند و دانشگاه بوستون (Boston) آمریکا منتشر شد. بگلی استاد فلسفه دانشگاه مریلند آمریکا است. فلسفه اوایل دوران مدرن، فلسفه باستان، اسپینوزا، افلاطون، و فلسفه سیاسی حوزه‌هایی هستند که بگلی در آن‌ها قلم زده است. اثر درخور توجه دیگر بگلی، در مقام سرویراستار، کتابی است با عنوان *تقوا، صلح، و آزادی فلسفه‌ورزی*^۲ شامل یازده جستار (essay). کتاب اخیر، بی‌آن‌که در پی گشودن و یافتن پاسخ نهایی باشد، می‌کوشد تا مسائل و پرسش‌های برآمده از رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا را دگر بار بررسی کند. این اثر، به سان خوانش، تأکیدی است بر سیر خط فکری بگلی در ورزیدن جان‌مایه کلام اسپینوزا. از نگارندگان سرشناس جستارها می‌توان به مایکل روزنتال (Michael Rosenthal) و توماس کوک (Thomas Cook) اشاره کرد.

۳. ویراستاران اثر و معرفی آثار مرتبط با آن

خوانش پاره‌ای از مجموعه فراخ‌دامنه پیوست‌هایی (ملحقاتی) به مجله اندیشه و فلسفه یهودی^۳، مجموعه‌ای در بیست‌وهشت مجلد، است. ویراستاران این مجموعه الیوت ولفسون (Elliot R. Wolfson)، کریستیان ویس (Christian Wiese)، و لئورا باتنر سکی (Leora Batnitzky) است. ولفسون، که نباید او را با هری ولفسون (Harry Austryn Wolfson) اسپینوزاشناس شهیر و استاد دانشگاه هاروارد اشتباه گرفت، استاد مطالعات یهودی در دانشگاه

کالیفورنیا - سانتا بارباراست. تاریخ اسطوره‌ی یهودی و پژوهش درباب هرمنوتیک قباله‌ای (Kabbalistic Hermeneutics) از حوزه‌های پژوهشی و فلسفون به‌شمار می‌رود. کریستیان ویس استاد کرسی مطالعات یهودی - آلمانی دانشگاه ساسکس (Sussex) انگلستان است. کتاب *زندگی و اندیشه هانس جونز: سویگان یهودیت*^۴ یکی از آخرین آثار ویس به‌شمار می‌رود. خانم لئورا باتنزیسکی استاد مطالعات یهودی و فلسفه دین در دانشگاه پرینستون آمریکاست. او نگارنده کتاب *لئو اشتراوس و ایمانوئل لویناس و نیز مدخل «اشتراوس»* از *دانش‌نامه فلسفی استنفورد* است. مجموعه پیوست‌ها آهنگ آن دارد تا پژوهشی ستمبر از تاریخ سترگ مغرب زمین را، از سده‌های میانی تا به امروز، بر ما هویدا کند. از آن جمله است *کاویدن تاریخ شفاهی و مکتوب عهدین، تفسیر فلسفی کتاب مقدس، فلسفه سده‌های میانی و آغاز دوران مدرن، و جایگاه و خاستگاه تفکر و اخلاق در جامعه یهود و برهم‌کنش آن با فکر و فلسفه امروزی یهودی*. از دیگر مجلدات این مجموعه می‌توان به این دو جلد اشاره کرد: *فیلسوفان یهودی کلاسیک از سعادیا تا رنسانس (The Classic Jewish Philosophers From Saadia through the Renaissance)* اثر لئونارد لوین (Leonard Levin) و *از پدیدارشناسی تا اگزیستانسیالیسم (From Phenomenology to Existentialism)* اثر شوارتز (Dov Schwartz).

تک‌نگاشت‌های فراوانی از فلسفه و دین یهودی در دست داریم. به‌گمان نگارنده این سطور، آثار هری ولفسون از درخشان‌ترین آن‌هاست. با این‌همه، پیوست‌ها می‌تواند بر گوشه‌های مهم و بکر تاریخ اندیشه یهودی پرتوی دیگرگونه افکند و ما را به خواندن یا دوباره خواندن آثار کلاسیک الهیاتی و فلسفی برانگیزاند. با تاسی از سنت بزرگ و غنی شرح‌نویسان اروپایی و آمریکایی، پل بگلی نیز کوشیده است تا روش‌شناسانه و ریشه‌شناسانه گران‌سنگ‌ترین پاره‌های اندیشه اسپینوزا را به مصاف یک‌دگر برد و سازگاری درونی یا ناسازگاری اندیشه او را، گاه نقادانه و گاه توصیف‌گرایانه، بر ما بنمایاند.

نگارنده، تا آن‌جا که نگریسته، بر آن است تا به آثار جدیدتر و مهم و مرتبط‌تر با این اثر اشاره‌ای داشته باشد. نخست، برای معرفی این آثار مختصر توصیفی می‌آوریم، سپس در پاسخ به این پرسش که چرا اثر پل بگلی را برگزیده‌ایم سخنی خواهیم گفت.

- کتاب *رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا: رهنمایی انتقادی* (Melamed and Rosenthal 2007). این کتاب شامل سیزده گفتار یا مقاله است که مشخصاً بر تفسیر و تبیین *رساله الهیاتی - سیاسی*^۶ تمرکز دارد. این اثر هم‌چون «companion»-ها بر آن است تا با رویکردی موضوعی به مهم‌ترین اندیشه‌های اسپینوزا پردازد. سرویراستاران این

مجموعه مایکل روزنتال استاد دانشگاه واشینگتن و یائیزاک ملامد استاد دانشگاه جان هاپکینز هستند. از چهره‌های برجسته در این مجموعه می‌توان به سوزان جیمز و جاناتان اسریل اشاره کرد.

- کتاب *اندیشه اسپینوزا درباره سیاست* (Frank and Waller 2016) اثری تازه منتشر شده است که نویسندگان آن دانیل فرانک (Daniel Frank) استاد دانشگاه پردو و جیسون والر (Jason Waller)، استاد دانشگاه الینویز شرقی هستند. دانیل فرانک پیش‌تر در مجموعه بزرگ *تاریخ فلسفه یهودی* قلم‌فرسایی کرده بود. نکته شایان ذکر در این کتاب رویکردی بستر محور به *رساله الهیاتی - سیاسی و رساله سیاسی* است که دغدغه نویسندگان را در رساله نخست پررنگ‌تر می‌یابیم. کتاب از هفت فصل بر ساخته شده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: مسئله الهیاتی - سیاسی (فصل اول)، طبیعت‌گرایی و حق و قدرت (فصل دوم)، نقد دین کتاب مقدس سنتی (فصل چهارم)، و نظریه مردم‌سالارانه (فصل هفتم). مشخصاً در باب اندیشه سیاسی اسپینوزا، کتاب فرضیه‌ای دارد مبنی بر این که نگرش اسپینوزا نه نظریه قرارداد اجتماعی لیبرال است و نه گونه‌ای از جمهوری‌خواهی کلاسیک، بلکه پلی است میان آن دو.

- کتاب *تاریخ فلسفه یهودی، از باستان تا سده هفدهم* (Nadler and Rudavsky 2008). سرویراستاران این اثر استیون نادلر (Steven Nadler) استاد مطالعات یهودی در دانشگاه ویکانسین آمریکا و تی. ام. رودفسکی (T. M. Rudavsky) استاد فلسفه در دانشگاه اوهایو هستند. این اثر آن‌گونه که از نامش برمی‌آید تاریخی است از عهد باستان تا اوایل دوران مدرن که تأکیدش بر تفکر یهودی دوران میانه از سایر ادوار پیش‌تر است. دسته‌بندی موضوعی این اثر بر دسته‌بندی مبتنی بر گاه‌شماری و اشخاص رجحان یافته است. این تاریخ فلسفه از موضوعات ذیل قوام یافته است: منطق؛ زبان؛ فلسفه طبیعی؛ معرفت‌شناسی؛ فلسفه ذهن و روان‌شناسی؛ متافیزیک و الهیات فلسفی؛ فلسفه (حکمت) عملی. افزون‌بر این، شاهد پاره‌هایی هستیم که بسترهای عقلانی شکل‌دهنده فلسفه یهودی را بر ما آشکار می‌سازد؛ از آن جمله است: تفکر یونانی و اسلامی و نیز سنت‌های متن‌پایه (textual) فلسفی یهودی. این تاریخ، بی‌آن‌که بر زبان نگارنده این سطور غلوی گفته آید، چشم‌اندازی خیره‌کننده از غنای حکمی - فلسفی یهودی را در دوران طلایی‌اش پیش‌روی ما می‌نهد.

- اثر دیگر کتابی از سوزان جیمز است (James 2012) که عنوانی تقریباً مشابه با کتاب بگلی دارد: اندیشه اسپینوزا در باب فلسفه، دین، و سیاست: رساله الهیاتی - سیاسی. این کتاب، در چهار فصل و در مجموع در دوازده بخش، آرای رساله را از منظری موضوعی بررسی می‌کند. وضوح مفهومی مباحثی که اسپینوزا از آن‌ها دفاع می‌کند در ذهن نویسنده کتاب ما را در شنیدن پیام کتاب توانا می‌کند. سوزان جیمز در این کتاب آرای دیگر شارحان را درباره موضوع یا فقره‌ای خاص از رساله گزارش می‌کند. به تعبیری، به تحلیل و نقد بیرونی اندیشه اسپینوزا بیش‌تر مبادرت دارد. باین‌که بگلی و جیمز هر دو به رساله اسپینوزا اهتمام تام ورزیده‌اند، اثر جیمز به لحاظ ساختاری و جزئیات کتاب‌شناختی، از جمله عنوان‌ها و زیرعنوان‌ها و منابع به‌روزتر، بر اثر بگلی پیشی گرفته است.

۴. دلیل انتخاب اثر

در دنیای انگلیسی‌زبان، کتاب‌های شرح (commentary) همواره روشنی‌بخش بوده‌اند. شرح ماندگار نورمن کمپ اسمیت بر نقد اول کانت (نقد عقل محض) نمونه درخشان آن‌هاست. با نگاهی به این نمونه، نگاهی مختصر خواهیم داشت به برخی از مهم‌ترین کارهایی که شارح در اثر خویش می‌تواند انجام دهد.

- نقد درونی اثر: شامل گزارش آرای فیلسوف، پرداختن به بافتار، واکاوی سیر خط استدلال‌های اثر و پرسش‌های متن‌پایه، اتیمولوژی، و سنجش میزان سازگاری درونی اثر و این‌که بدانیم آیا نتایج قول فیلسوف می‌تواند از مقدمات او برآید یا خیر؛

- نقد بیرونی اثر: در نقد بیرونی باید اندیشه فیلسوف را به مصاف موافقان و مخالفان او برد. بررسی پیش‌فرض‌ها و لوازم و برآیند قول و آرای دیگر شارحان دیگر رسالتی است که به‌نظر می‌رسد به‌توی اندیشه فیلسوف راه می‌برد.

در سالیان اخیر شرح و تفسیرهای فراوانی بر اندیشه اسپینوزا نگاشته شده است. مشخصاً در باب رساله الهیاتی - سیاسی به برخی از برجسته‌ترین آن‌ها اشاره شد. هریک از این آثار مکمل یک‌دیگرند و بی‌تردید هریک قوت و کاستی‌هایی دارند. اثر بگلی مشخصاً با عنوان خوانش (A Reading) از این قاعده مستثنی نیست. استفاده از زبان اصلی، لاتینی، در ترجمه و ارجاع، نگرش ریشه‌شناسانه، و پژوهش متن‌پایه، یعنی نقد درونی اثر، دلایلی است که ما را در معرفی و نقد این اثر برانگیخت.

۵. ویژگی‌های شکلی اثر

۱. طرح جلد ساده و به‌رنگ سرمه‌ای است و عنوان آن روی جلد و نیز در عطف کتاب چاپ شده است. قطع کتاب وزیری است؛
۲. این کتاب ۲۴۹ صفحه دارد که دو صفحه آن تقدیرنامه و توضیحات نگارنده، و پنج صفحه آن منابع است؛
۳. ارجاعات و توضیحات به‌صورت پانوش (footnote) آورده شده است؛
۴. ارجاعات کتاب به آثار اسپینوزا به اصل زبان لاتینی و با این مشخصات کتاب‌شناسی است:

Gebhardt, Carl, (ed.) (1925), *Spinoza Opera*, 4 vols., Heidelberg: Universitätsbuchhandlung.

رساله الهیاتی - سیاسی در جلد سوم این مجموعه، یعنی صفحات ۳ تا ۲۶۷، است؛

۵. عنوان رساله اسپینوزا در نسخه لاتینی چنین است: «*Tractatus Theologico-Politicus*»

که بگلی به آن با عناوینی چون «The Treatise» و نیز «TTP» ارجاع داده است؛

۶. این کتاب داری کتاب‌شناسی و نمایه اشخاص است.

۶. خاستگاه اثر

اسپینوزا در رساله، با نگاهی تاریخی - هرمنوتیک به کتاب عهدین، بسیاری از مفاهیم مندرج در آن را با ترازوی عقل به‌چالش می‌کشد. او، با نشان‌دادن این امر که مرجعیت سیاسی اولیای دین بر خرافه‌پرستی و آرزواندیشی مردمان افزوده است و از عقلانیت آن‌ها کاسته است، بر ناکارآمدی سیاست مبتنی بر دین انگشت می‌گذارد. اسپینوزا اذعان می‌دارد که تکریم و تعظیم تنها درخور خدا و عشق به خداست، نه مرجعیت اولیای دین و کلمات کتاب مقدس. اصولاً، در دیدگاه اسپینوزا عهد عتیق متنی طبیعی، و نه ماوراءالطبیعی، است که می‌توان آن را موضوع پژوهش علمی (scientifically) و طبیعی قرار داد. در دیدگاه اسپینوزا، آدمی با تفسیر کتاب مقدس و واکاوی آن با ابزار عقل می‌تواند از خرافه و کثرتی و پیش‌داوری به‌درآید و ره همین عقلانیت پیشه گیرد. به‌دیگرسخن، اسپینوزا نه‌تنها تفاوتی میان تفسیر کتاب مقدس و تفسیر طبیعت نمی‌بیند که آن دو را هم‌پوشان یک‌دگر می‌داند. اسپینوزا معتقد است که روش درست تفسیر طبیعت، نخست، بر ساختن تاریخ طبیعی است، سپس برگرفتن تعاریف اشیا از آن تاریخ، هم‌چون برگرفتن اصلی متقن. او کتاب مقدس را نیز مستعد این‌گونه پژوهش می‌داند. درباب کتاب مقدس، نخست، باید تاریخی

حقیقت‌گرایانه از متن مقدس به دست داد، آن‌گاه اندیشه مؤلفان متن مقدس را از آن تاریخ برگرفت. در این کوشش، اسپینوزا بر دو نکته تأکید می‌ورزد: نخست، برای شرح و تفسیر کتاب مقدس راهی جز آنچه از خود کتاب مقدس برمی‌آید نیست. به تعبیری، متن کتاب مقدس باید با خود آن داوری و سنجیده شود؛ دوم، بایسته است همواره نور طبیعی عقل (natural light of reason) فراروی دیدگان ما باشد. نتیجه‌ای که از تأکید دوم اسپینوزا برمی‌آید بی‌تردید نجات ما از به‌دام‌افتادن به کژراهی است (Spinoza 2007: 98).

روشی که اسپینوزا در شرح و تفسیر کتاب مقدس به کار می‌برد ما را بر آن می‌دارد که روشی هم‌پایه آن را در واکاوی رساله اسپینوزا پیشه کنیم؛ این آن نقطه‌ای است که کار بگلی و خاستگاه و عوامل پاگرفتن آن تا حدودی بر ما روشن می‌شود. بسان روش اسپینوزا در نقد درونی کتاب مقدس، رساله را نیز این‌گونه باید بررسی کرد. افزون‌براین، نقدی بیرونی برای سنجش داوری‌ها طلب می‌آید. نقد درونی یعنی صرف تأکید بر متن رساله اسپینوزا و سنجش میزان سازگاری درونی (consistency) آرای او. نقد بیرونی یعنی رأی شارحان و فیلسوفان دیگر، موافق یا مخالف، بر اندیشه اسپینوزا. باید افزود که به نظر می‌رسد نقد درونی هر اثر، در پژوهش فلسفی، اولین و برترین مرتبت راستی است. با این نگاه است که نقد بیرونی در خدمت مفاهیم اصلی پژوهش قرار می‌گیرد.

اسپینوزا دغدغه واحدی را در کتاب‌های اخلاق و رساله پی می‌گیرد و آن تأسیس اخلاق و برساختن سازواره‌ای پژوهشی در باب الهیات مبتنی بر عقلانیت است، اخلاقی که می‌تواند پایه‌ای برای هر نظام سیاسی باشد. با این نگاه، این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که اسپینوزا در رساله می‌کوشد تا از طریق محاجه با علمای دین یهود، بر سیاست مبتنی بر اخلاق پای بفشارد، اخلاقی که در دیدگاه او به یاری نور طبیعی عقل و در نزد عامی‌ترین آدمیان نیز دست‌یافتنی است. براین‌د این نگاه به سیاست، در اداره شهر، دولتی است که از میان مردمان برخاسته و بر فعل عقل و منع از انفعالات دعوت می‌کند، دولتی که مدافع اصول آزادی اندیشه است و ضامن تحقق دموکراسی و حافظ صلح و آرامش شهروندان است. در نزد اسپینوزا، «دولت» یکی از شرط‌های اساسی تحقق آزادی است.

نیاز به شرح و تفسیر واژگانی رساله بی‌تردید نیاز به نگارش کتابی هم‌چون خوانش بگلی را بیش‌ازپیش پررنگ‌تر می‌کند. پُر پیداست که رساله کتابی است در باب الهیات و سیاست، اما به تعبیر بگلی،

رساله کتابی است که نگارنده آن فیلسوفی است که بیش از الهیات و سیاست دل درگرو فلسفه دارد. از این‌رو، رساله اثری فلسفی است که نقش الهیات (دین) و سیاست

را در زندگانی مردمان و از دیدگاه فلسفی بررسی می‌کند. با این نگاه، شاید کار اسپینوزا منحصر به فرد نباشد. یکی از مهم‌ترین آثار فلسفی سده هفدهم *لویاتان (Leviathan)* نوشته توماس هابز (Thomas Hobbes) است. او در این اثر گامی برمی‌دارد که کم‌وبیش مشابه آن چیزی است که اسپینوزا در ایضاح نسبت میان الهیات (دین) و سیاست در حیات آدمی و از منظر فلسفی وجه همت خود ساخته است. هابز تمایزی آشکار میان قلمرو یا قدرت مدنی و کلیسایی می‌بیند، اما اسپینوزا نوع متفاوتی از نسبت میان الهیات و سیاست را در مدنظر دارد (Bagley 2008: 4-5).

همان‌گونه که از عنوان *رساله برمی‌آید*، در این کتاب، بررسی شالوده‌های الهیاتی - سیاسی در کانون توجه است و واژگان بگلی ساخت و آمیختگی‌ای (composition) می‌طلبد که راه‌حل و پاسخی را برای مسائل و پرسش‌های الهیاتی - سیاسی پیش‌رو نهد. بگلی با رویکردی ریشه‌شناسانه (etymological) توان واژه‌ای تراکتاتوس (tractatus) را بررسی می‌کند تا اهتمام اسپینوزا به کاوش الهیاتی - سیاسی را ایضاح کند. بگلی معتقد است که واژه لاتینی «tractatus» این معانی را در دل خود دارد: «(treatment)»، «(handling)»، «(working)»، و «(management)» که شاید بتوان این معادل‌های را، به ترتیب، برای آن‌ها برگزید: ^۷ درمان‌گری، پرداختن، ورزیدن، و کارکردن (در معنی کشتن و ثمری حاصل آوردن)، و اداره کردن (ibid.: 5). با این نگاه، کار بگلی می‌تواند اثری باشد که تا حدود زیادی می‌کوشد تا پاره‌های مختلف اندیشه اسپینوزا را در *رساله* توصیف، تحلیل، و در مواردی نقد کند.

۷. نقد محتوایی اثر

اکنون، با اتکا به فصول چهارگانه خوانش، به معرفی و تحلیل و بررسی کتاب می‌پردازیم. اما پیش از آن باید به اجمال فصول بیست‌گانه اسپینوزا در *رساله* و برخی از مهم‌ترین اندیشه‌های او را معرفی کرد تا سخنان بگلی را مرتبط و متناسب با *رساله* بیابیم. به این منظور، در گام نخست باید به خاستگاه نگارش *رساله* یعنی زمینه و زمانه اسپینوزا اهتمام ورزید. برای مقدمه باید گفت رخ داده‌های سیاسی و اجتماعی هلند اواسط سده هفدهم در زمانی پیش‌تر از آن ریشه دارد، یعنی در ۳۱ مارس ۱۴۹۲ میلادی. فرناندو (Ferdinand) و ایزابلا (Isabella) در آن سال به تمام یهودیانی که ایمان نیاورده بودند فرمان اخراج دادند و گروهی از یهودیان به ناچار به مسیحیت گرویدند. اما هزاران تن از آنان به پرتغال پناه بردند و پنج سالی را در آن‌جا سکنی گزیدند. از سال ۱۵۵۰ میلادی دامنه تفتیش عقاید به پرتغال نیز گسترش یافت و گروه پرشماری از یهودیان به مهاجرت روی آوردند. خانواده اسپینوزا

در شمار همین یهودیان بودند که نخست برای مدتی کوتاه به شهر نانت پناهنده شدند و تحت حمایت لوئی چهارم، پادشاه فرانسه، قرار گرفتند. از آنجا نیز به ولایات (یا ایالات) متحده هلند مهاجرت کردند (Peters 1995: 11). در آن روزگار، موجی از ناآرامی و تنش سیاسی و دینی اروپا را فراگرفته بود. دانیل فرانک (Daniel Frank) و جیسون والر (Jason Waller) هر دو بر آن‌اند که همه‌چیز در ۳۱ اکتبر سال ۱۵۱۷ آغاز شد، درست هنگامی که مارتین لوتر اعلامیه ۹۵ ماده‌ای خود را به سردر کلیسای ویتمبرگ آویخت. این کار آغازی نمادین برای رخ دادها و انقلاب‌هایی بود که به یک‌باره اروپا و بنیان‌های آن را به‌لرزه درآورد. زنجیره‌ای از اصلاحات پروتستان اروپا را بیش از دو سده فراگرفت. با این اصلاحات، حاکمیت و استیلای بی‌قید و شرط کلیسایی خاص فروپاشید (Frank and Waller 2016: 5-6).

در این میان، اسپینوزا از یک سو در مقام هرمنوتیسین، با رویکرد هرمنوتیک تاریخی، به کاوشی در باب وثاقت متون مقدس می‌پردازد و از سوی دیگر، دین و دولت و نقش عقل را در آن دو می‌آزماید. پیش‌گفتار و پانزده فصل اول رساله به تعبیری الهیاتی است و پنج فصل پایانی بر سیاست تمرکز دارد که شش فصل از پانزده فصل به آرای دینی قوم یهود می‌پردازد و در فصول هفتم تا پانزدهم شاهد نگرش هرمنوتیک، هرمنوتیک کتاب مقدس عهدین، و نه فقط عهد عتیق، اسپینوزا هستیم که در فصول و خطوط کلی رساله می‌آید. چارلز جیرت (Charles Jarrett) این فصول را بدین ترتیب خلاصه کرده است:

فصل‌های نخست و دوم (نبوت و پیامبران)؛ فصل چهارم (قانون الهی) دربرگیرنده قانون طبیعی و قوانین بشری از جمله قواعد برحق حکومت یا قوانین مربوط به بالاترین خیر ما که همانا شناخت و عشق خداوند است؛ فصل ششم (معجزات)؛ فصل هفتم (تفسیر کتاب مقدس) که در دیدگاه اسپینوزا، کتاب مقدس باید به مثابه امری طبیعی و نه موضوعی فراطبیعی نگریسته شود. اسپینوزا لازمه این نگرش را بررسی زبان و شرایط نویسندگان در انشای کتاب مقدس می‌داند. او این نوع بررسی را «موافق اصول علمی» (scientifically) می‌نامد. فصل هشتم و یازدهم (در باب نویسندگان کتاب مقدس)؛ فصل سیزدهم (هدف کتاب مقدس)؛ فصل چهاردهم (ایمان جهانی)؛ و فصل پانزدهم (نسبت میان فلسفه (علم) و الهیات (دین)).

آهنگ اندیشه سیاسی اسپینوزا در این فصول فزونی می‌گیرد: فصل شانزدهم (بنیان‌های دولت و حق طبیعی) که گاه در ترجمه «state» به «حکومت» باید گفت که خود اصطلاح‌شناسی‌ای را برای این پژوهش می‌طلبد؛ فصل هفدهم (دولت یهودی)؛ فصل

هجدهم (نسبت میان دین و دولت) که چهار نتیجه از این فصل برمی‌آید که در این جا اشاره‌وار بدان می‌پردازیم: نخست، مرجعیت‌های دینی نباید هیچ قدرت مشروعی از جمله قدرت وضع قوانین داشته باشند؛ دوم، مرجعیت‌های دینی و دولت‌ها نباید در اعتقاد و باور مردمان اعمال قدرت کنند؛ سوم، پُر بلا خواهد بود که مردمان بکوشند نوع حکومت را از موناشرسی به گونه یا نوع دیگر تغییر دهند؛ چهارم، تنها حاکمان باید حق (درست) و ناحق (غلط) را تعیین کنند؛ فصل نوزدهم (حق حاکمان بر دین)؛ و فصل بیستم (آزادی اندیشه و بیان) (Jarrett 2007: 178-181).

۸. بخش نخست خوانش: فلسفه (Philosophy)

همان‌گونه‌که پیش‌تر و در آغاز بخش تحلیل و خاستگاه اثر گفته شد، باروخ اسپینوزا در *رساله الهیاتی - سیاسی* کوشید تا دو مفهوم «سیاست» و «دین» و نیز ملحقات و لوازم هر کدام را روشن کند. راهی که او پیمود بی‌تردید در نظام فلسفی، اخلاقی، و روان‌شناختی کتاب *اخلاق* ریشه داشت. *اخلاق* سراسر کوششی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، و انسان/روان‌شناسانه است. انسان‌شناسی اسپینوزا، در *اخلاق*، بر نسبت عقل و اراده - انفعالات مبتنی است. او می‌کوشد که مبانی عقلانی اخلاق فردی را بر آدمی روشن کند و عقل را برای او هم‌چون سرچشمه تبیین هر چه هستی است رنگین‌تر، کارسازتر، و پرگهرتر بنمایاند.^۸ به‌تعمیری، او در پی گشودن معنای «آزادگی» است و به‌نظر می‌رسد برای اسپینوزا، دست‌کم در *اخلاق*، «آزادگی» بر «آزادی» تقدم منطقی دارد، بدین معنا که آزادگی در‌گرو فضیلت خودفهمی و سهیم‌دانستن عقل در فعل آدمی است؛ افزون‌براین، مصادره هر انفعالی به‌نفع فعل عقل است. با این نگاه، «آزادگی» می‌تواند مساوق و هم‌طراز آن چیزی باشد که در ترجمه «moral sentiment» می‌آوریم، یعنی *شور اخلاقی*. اما با همه وسواس و تأکید اسپینوزا بر عقل و فلسفه در *رساله*، به‌عنوان اثری دوران‌ساز، بخش مجزایی با عنوان فلسفه نمی‌بینیم. بگلی در آغاز بخش نخست کتابش معتقد است که در *رساله* فصل مجزایی نداریم که به فلسفه پرداخته باشد. با این همه، آموزه‌های فلسفی اسپینوزا در سرتاسر کتاب گسترانده شده است. به‌باور بگلی، مهم‌ترین رسالت اسپینوزا در *رساله* در عنوان کامل کتاب منطوی است. *رساله* می‌کوشد تا به انسان‌ها بیاموزد که می‌توانند به آزادی اندیشه دست یابند، بی‌آن‌که خللی در تقوا (piety) و صلح و آسایش عمومی آن‌ها (public peace) وارد آید. بگلی در این بخش، هم‌رأی با اندیشه اسپینوزا در پیش‌گفتار *رساله*، معتقد است که سنت رایج این بوده است که دین^۹ همواره فضایی در ستیز با عقل و فلسفه ایجاد می‌کند.

در شرح مهم‌ترین فقرات رساله، بگلی معتقد است، در جای‌جای رساله تصریحاً بیان شده است که مردم زندگی و امور خود را با انفعالات و احساسات به‌پیش می‌برند، نه با دلیل و برهان؛ و از این‌روست که به فلسفه‌اهتمامی ندارند. بگلی، با توصیف و بازخوانی مهم‌ترین پاره‌های اندیشه اسپینوزا، شارح بزرگ فلسفه کانت یعنی کمپ اسمیت را برای ما تداعی می‌کند. او نیز هم‌چون اسمیت یکی از مفاهیم کلیدی اسپینوزا را پایه‌ای برای شرح و نشان‌دادن خط استدلال او می‌گیرد. برای نمونه، در متن اسپینوزا با این رأی مواجه می‌شویم که آدمی به سلامت (health) و امنیت (security) میل دارد، اما چنین میلی و خواستی ممکن است او را از راه عقل به‌در کند و کژری و ناراستی و خرافه‌پرستی برای او به‌بار آورد. بگلی در شرح اندیشه اسپینوزا می‌نویسد:

آدمی امورات زندگی‌اش را به شانس و اقبال می‌سپارد و همواره در پی چیزی انسانی یا فرانسانی است. این کار برای آن است تا برای آن‌ها خیر و خوشی را به‌ارمغان آورد و «امنیت و سلامتی» از جمله آن‌هاست. ... طرفه آن‌که، با طبیعت، سرشت آدمی بر آن گشته که طبیعت را جدا از خویش و گاه فوق و ورای چیزها، به‌امید ارضای طبیعی‌ترین خواهش‌ها یا امیال انسانی، نظاره کند. الهیات یا دین است که به این امور غیرانسانی یا فرانسانی دامن می‌زند (Bagley 2008: 29-30).

او، با این ادبیات، هم بر وجه طبیعت‌باورانه (naturalistic) اسپینوزا انگشت می‌گذارد هم بر وجه جبرباورانه او^{۱۰} (deterministic).

در دیدگاه بگلی، اسپینوزا در رساله می‌کوشد تا اثبات کند که فلسفه می‌تواند با دین و سیاست در صلح و مدارا باشد و با آن‌ها هم‌بود و هم‌زیست شود. به‌تعبیردیگر، آن‌گونه‌که دین وعده رستگاری یا نجات (wellbeing orsalvation) می‌دهد، فلسفه نیز می‌کوشد آن چیزی را که در واژه «salus» است برای انسان به‌ارمغان آورد. درباب این واژه لاتینی، بگلی معتقد است آن را باید در بستر (context) خاص خود فهمید، زیرا در دلالت الهیاتی و دینی به‌معنای رستگاری دینی (religious salvation) و در دلالت سیاسی‌اش به‌معنای رفاه و آسایش مدنی (civic welfare) است (ibid.: 31). باین‌همه، اسپینوزا با اتکا به نور طبیعی عقل به واکاوی هرآنچه شناختنی است دست می‌یازد. این کار در آزمودن عقلانی دین و نیز سنجش عقلی - تاریخی کتاب مقدس پُررنگ‌تر می‌شود. با این نگاه، الهیات یا دین برای آدمی می‌تواند هم‌چون دهلیزی باشد که او را به منش و اعتقادی وامی‌دارد که در راه دست‌یابی به صلح و آسایش نافع است. درمقابل، او را از راهی که منفعتی حاصل نیاید

روی گردان می‌کند. تحت فرمان عقل فیلسوف می‌اندیشد که کدام پاره از دین و الهیات را در خدمت هدفش برگزیند (ibid.: 80).

در این فصل، بگلی با قلمی رسا و زبانی گویا و ارجاع به متون معتبر کوشیده است تا بخش‌های فلسفی تر رساله را گرد آورد. او بر آن است که این مفاهیم در ادبیات اسپینوزا و در رساله می‌توانست در قالب فصلی مجزا آورده شود. بگلی فلسفه‌ورزی اسپینوزا و وحنایت موسای نبی را در قالب مثالی و نگاهی این‌گونه می‌آورد:

بخشی از نتایج آموزه فلسفی اسپینوزا در رساله با اهتمام او در سرمشق قرار دادن و تأسی کردن از شکل و سازند رژیم خدامدار (theocratic regime) یا یزدان‌سالارانه با خطوط کتاب مقدس یهودا - مسیحی ایضاح می‌گردد. به این معنی که سودای اسپینوزا در رساله این است تا رژیم نوین خدامداری بر پا دارد که ساخت و اسلوب رژیم خدامدار موسای پیامبر را در عهد عتیق (Hebrew Scriptures) تقلید می‌کند. به سان موسی، اسپینوزا نیز معتقد است که آسایش و سلامتی و رفاه بر فهم جزئی و دقیق^{۱۱} از دین وحنایی ابتدا دارد که عدالت، نیک‌خواهی، و آسایش را می‌گستراند؛ و نیز برمی‌آید که آن‌ها برای صلح و نظم جمهوری مفید و ضروری باشند. سازوکار رسیدن به این صلح و آسایش در گونه حکومت خدامدار موسی بر سنگ‌نبشته‌ای نگاشته شده است، اما اسپینوزا می‌کوشد تا این گونه حکومت را بر قلوب انسان ایمان‌دار حک کند (ibid.: 36).

استدلال بگلی در به‌کار بردن واژه «رژیم»، که ما نیز همان را تکرار کرده‌ایم، این است که هیچ‌یک از معادل‌های انگلیسی ذیل نمی‌تواند معنای نهفته در دل واژه لاتینی «imperium» را منتقل کنند: «authority»، «direction»، «command»، «right or power of command»، «sovereignty»، «empire»، «dominion»، «government»، و «jurisdiction». از این روست که به واژه فرانسوی «regime» متمسک می‌شود. نکته درخور توجه در باب این واژه آن است که خود از ریشه لاتینی «regimen» مشتق شده است.

اسپینوزا به ما می‌آموزد که با رازدایی از کتاب مقدس و مفاهیم مندرج در آن هم‌چون نبوت، معجزه، و خود را از اقوام و گروه‌های دینی دیگر برتر دانستن قوم یهود، می‌توان به پیام جهان‌روایی که این کتاب حامل آن است دست یافت و آن این پیام است: شناخت خدا^{۱۲} و عشق‌ورزیدن به او و عشق‌ورزیدن به همسایه هم‌چون خویشتن. این پیام برای اسپینوزا این نتیجه مهم را در پی دارد که می‌توان قواعد اخلاقی از این دست را، بدون تمکین به واژگان کتاب مقدس و مرجعیت‌های دینی و به‌صرف نور طبیعت عقل، فراچنگ

آورد. افزون‌براین، عقل آدمی را در تفسیر دین، آن‌گونه که خود می‌جوید، مختار می‌سازد. بالاترین پاداش قانون الهی آن است که این قانون را فراچنگ آوریم و در آن غور کنیم. دریافت هریک از بخش‌های طبیعت و قانون طبیعت الهی به یاری عقل برای آدمی آزادگی را به‌ارمغان می‌آورد و در نگرش اسپینوزا او را از دام تن و بی‌ثباتی روان نجات می‌دهد (Spinoza 2007: 61).

۹. بخش دوم خوانش: الهیات (Theology)

بگلی این بخش خوانش را از فقره مشهور ششم از فصل پانزدهم رساله آغاز می‌کند. او به‌درستی، با تکیه بر متن رساله، بر نگرش الهیاتی یا دینی اسپینوزا تمرکز می‌کند.

... الهیات یا دین هیچ طرحی در برابر عقل ندارد و نخواهد داشت. ... مقصودم از الهیات در این جا به‌نحو دقیقی وحی یا الهام الهی است، تا آن‌جا که آن بر هدفی گواهی دهد که پیش‌تر گفته آمد که کتاب مقدس بدان میل می‌کند، یعنی روش و اسلوبی که اصلی است برای تقوا و ایمان راستین. این آن چیزی است که کلام خدا نامیده می‌شود بی‌آن‌که به کتاب الهی خاصی محدود شود (ibid.: 190-191).

خط سیر استدلال اسپینوزا در نگاه بگلی این‌گونه بسته شده است:

خواننده رساله آگاه می‌گردد که الهیات یا دین همان وحی است، وحی با کتاب مقدس پیوند خورده است، وحی ضرورتاً «تقسیم به» و «درگیر در» آن آموزه‌ای است که بر تعبد تأکید می‌ورزد و اصولاً پیرو چنین آئین و آموزه‌ای است. این آموزه که بر تعبد تأکید می‌ورزد بنیان ضروری تقوا و ایمان است. بنابراین الهیات، وحی، کتاب مقدس، تقوا و ایمان سازواره‌ای واحد تشکیل می‌دهند و تمامی این اجزا در یک جزء اشتراک دارند و آن این است: آموزه‌ای در باب طریق خاص تعبد (Bagley 2008: 86).

اسپینوزا می‌کوشد با نگاهی انتقادی به هدفی که در پیش‌گفتار رساله آمده است (که همانا تحدید و ایضاح و به‌تبع آن تفکیک دو قلمرو دین و فلسفه است) نزدیک شود. درحقیقت و در دیدگاه اسپینوزا، نگاه انتقادی و خردورزی و تفسیر در باب حقایق طبیعی می‌تواند ما را آزاده‌تر از پیش و از هرگونه تعصب الهیاتی و خرافه‌اندیشی دور کند. کتاب مقدس یکی از این حقایق (fact) است. استدلال اسپینوزا در فقره دوم از فصل هفتم، که پیش‌تر بدان اشارتی رفت، در این باب روشنی‌بخش است. بسیاری از شارحان این‌گونه نگرش را برای انسان امروزی مفید و بلکه ضروری می‌دانند. رُی ای. هریسویل

(Roy A. Harrisville) و والتر سانبرگ (Walter Sundberg) در کتاب *جایگاه کتاب مقدس در فرهنگ مدرن می‌نویسند*: «... ما بر آنیم که بحث درباره نقد تاریخی کتاب مقدس از بحث درباره اصول نخستین و برین الهیاتی، آن‌گونه که در زندگی کلیسا نضج گرفته است چیزی کم ندارد». آن‌ها به نقل از کاردینال راتزینگر (Ratzinger) می‌نویسند: «ژرف بنگریم، در خواهیم یافت بحث درباره تفسیر مدرن کتاب مقدس بحثی فلسفی است ... و می‌تواند بنیانی برای زمانه ما باشد» (Harrisville and Sundberg 2002: 3).

شرح پاره‌های الهیاتی رساله و تأمل درباره مهم‌ترین اصطلاحات به کاررفته در آن بخش دوم از کتاب *خوانش بگلی* را تشکیل می‌دهد. بازخوانی اندیشه اسپینوزا به روایت بگلی به ما توجه می‌دهد که اسپینوزا می‌کوشد تا با نشان دادن دشواری‌های تفسیر عهد عتیق و عهد جدید به پیام جهان‌روایی درباره ایمان دست یابد. به تعبیر بگلی،

نگاه اسپینوزا به ایمان جهان‌روا (universal faith) دربرگیرنده تفسیر (interpretation) و نیز سنجش (evaluation) بن‌مایه‌های اساسی دین مُنزل (revealed religion) است. اسپینوزا آن‌چه نبوت (prophecy) خوانندش تعریف و تشریح می‌کند؛ او ویژگی و گنجایی پیامبر را توصیف می‌کند؛ او آن‌چه را که نزد همگان معنایی داشته بررسی می‌کند؛ برای نمونه، قوم یهود توانند خویش را قوم برگزیده خدا خوانند [که اسپینوزا این ادعا را به سنجش می‌گذارد]؛ او تمایز میان قانون الهی (divine law) و قانون آئینی (ceremonial law) را شرح می‌دهد؛ درباره پدیده معجزات تأمل می‌کند؛ و نیز روشی برای تفسیر کتاب مقدس وضع می‌کند که سرشتی تاریخی (historianaturae) دارد و با آن روش می‌توان عهدین را خواند، تفسیر کرد، و فهم کرد (Bagley 2008: 85).

به سان اسپینوزا، بگلی نیز می‌کوشد تا با تأمل بیش‌تر در سخنان اسپینوزا و آیاتی که او بدان‌ها ارجاع می‌دهد شرحی درخور و محققانه عرضه دارد. او در تحلیل پسینش از این بخش *خوانش* به دفاع از اسپینوزا برمی‌آید که درباره نویسنده‌ای در رده و مرتبه حرفه‌ای بگلی، نمی‌توان گفت این هواداری از پیش‌داوری ناشی شده است. او معتقد است که الهیات همواره آموزه‌ای ضد فلسفه ترویج کرده است. حتی الهی‌دانان بر آن‌اند که فلسفه نشاید و نتواند راهی رهین رستگاری به‌ارمغان آورد. اما به‌باور نویسنده *خوانش* کسی می‌تواند چنین ادعایی کند که اثری را از منظر فلسفی خوانده باشد؛ آن‌گاه نیک در خواهد یافت که فیلسوفی هم‌چون اسپینوزا آشکارا در رساله الهیاتی‌اندیشی کرده است و در نهان فلسفه ورزیده است (ibid.: 142).

۱۰. بخش سوم خوانش: سیاست (Politics)

در این بخش از خوانش، به سان دو بخش پیشین، رویکرد واژه‌شناسانه بگلی به اثر اسپینوزا محرز است. بگلی ما را متوجه آن می‌کند که در فصل چهاردهم رساله (در باب قانون الهی) تلاش بر آن است تا «بنیان‌های ایمان» آزموده شوند. اگرچه به گمان او این درحالی صورت می‌گیرد که هیچ فصلی از رساله سنجش «بنیان‌های فلسفه» و «بنیان‌های سیاست» را در دل خویش جای نداده است. در منظر بگلی، صفت لاتینی «*politicus*» (political) آشکارا در عنوان رساله آمده است. اما هیچ فصلی را، به صورت مجزا، تحت عنوان سیاست یا امر سیاسی (the political) نمی‌یابیم. به باور بگلی، نخستین جایی که اسپینوزا از سیاست در معنای اجتماع (society) یا حکومت (the administration of the state) سخن می‌راند فقره هفتادوسوم از فصل پنجم رساله است (ibid.: 145-146)، یعنی جایی که اسپینوزا اعلام می‌دارد که بدون اجتماع، آدمیان یارای تمشیت امور زندگانی خویش را ندارند و فقدان هم‌یاری به هدر رفتن زمان را برای آنان به بار خواهد آورد. افزون‌براین، کسب هیچ هنر و مهارتی، که اصولاً در اعتلای آدمی حذف‌ناشدنی است، صورت نخواهد گرفت، زیرا نه تقسیم‌کاری رخ داده است و نه برای آن‌ها فرصتی برای این کار هست. فقدان اجتماع در دیدگاه اسپینوزا به معنای زندگی فلاکت‌بار (wretched) و ددم‌نشانانه (brutish) است (Spinoza 2007: 72).

بگلی در شرح پاره‌های اندیشه سیاسی اسپینوزا باز به الهیات او متمسک می‌شود. به تعبیری، او حل مسائل سیاسی شهر را در تبیین و فهم کتاب مقدس و مسائل برآمده از آن می‌داند. شهر برای اسپینوزا جلوه‌گاهی است که می‌تواند برای انسان آزادی را به ارمغان آورد. اگر آزادی را در معنای رهایی انسان از بند انفعالات بدانیم، پروژه‌ای که اسپینوزا در تمام آثارش به ویژه اخلاق پی می‌گیرد، بایسته است که اسپینوزا «آزادی» را در برهم‌کنش فرد با «دیگری» بررسی کند، دیگری‌ای که می‌تواند در مشربی فکری یا دینی یزدانی یا سلوک و رسوم قومی یا حاکمیت و مرجعیتی سیاسی جلوه‌گر شود. رساله جلوه‌گاه فروتنانه این کوشش روشنی‌بخش است. نویسنده رساله از سویی در پی نشان‌دادن کژی یا ناراستی قوانین و قراردادهای غیرعقلانی (یعنی استدلال‌ناپذیر یا استدلال‌گریز) دینی و سیاسی مرسوم و حاکم بر مردمان است و از دیگری سو، می‌کوشد تا مانعی باشد بر اجرای نادرست قوانین درست.

یکی از مقاصدی که اسپینوزا از مفهوم آزادی دارد در عنوان فرعی رساله به‌طور مجمل و در فصل بیستم به‌طور مفصل آمده است. اسپینوزا اذعان می‌دارد که آزادی فلسفه‌ورزی را

می‌توان، بی‌آن‌که خدشه‌ای به پارسایی و آرامش مردمان وارد آید، بدان‌ها اعطا کرد، که اساساً آرامش و پارسایی ملت درگرو آزادی است و سرکوب آن بی‌تردید مخاطره‌آمیز خواهد بود. اما در رساله، اسپینوزا معنای ژرف‌تری را می‌جوید تا بتواند به‌یاری آن آزادی را روا، جایز، و ضروری بشمارد. آن معنا از یک‌سو اهتمام نظری اسپینوزا به روشن‌گری دین و کتاب مقدس و از سوی دیگر تضعیف جایگاه سیاسی اولیای دین است که بر دولت‌ها اعمال قدرت می‌کنند. روحانیون در دیدگاه اسپینوزا توانسته‌اند، با ترویج خرافه و موهوماتی که شخص را در تنگنای بیم و امید معلق می‌دارد، جاه‌طلبی و مرجعیت سیاسی خویش را فزونی بخشند که بی‌تردید می‌توان از آن به رخداد یا بحرانی اندیشه‌ای یاد کرد.

اسپینوزا، در واکنش به این بحران، قلم روشن‌گری بر صفحه‌تاریک زهدفروشان و تقدس‌اندیشان زمانه خود می‌کشد. او در این راه پیش و بیش از هر چیز همگان را به بازخوانی کتاب مقدس، هم‌چون اثری طبیعی و نه ماوراءالطبیعی، فرامی‌خواند. این شیوه از فهم برای اسپینوزا همانا برون‌رفتی از معضل برآمده از اتوریتته رهبران دینی و الهی‌دانان به‌ویژه حکام یهودی بود. به نظر می‌رسد اسپینوزا سه نتیجه را بر پژوهشش در باب کتاب مقدس مترتب می‌کند: نخست، با تأمل در کتاب مقدس می‌توان آموزه‌های دین حقیقی را در آن دریافت کرد؛ دوم، می‌توانیم آشکار کنیم که عبودیت خدا چه چیزی را بر ما لازم می‌آورد و با این نگاه می‌توان از اقتدار سیاسی اولیای دین کاست و بر آزادی فلسفه‌ورزی و آزادی تفکر و بیان پای فشرده سوم، کتاب مقدس صرفاً سندی تاریخی و حامل پیام اخلاقی است و فقط عشق به خدا و تعبد او را به ما می‌آموزد و نه شناخت فلسفی را.

در این بخش نیز شاهد اهتمام فکری بگلی در واکاوی مفاهیمی از این دست هستیم: وضع طبیعی، دولت، وضع مدنی، قرارداد اجتماعی، برتری دموکراسی بر سایر اشکال حکومت‌داری، پای‌بندی به قرارداد اجتماعی، و برحذر داشتن از تخلف از آن. پُر پیداست که اسپینوزا در بخش‌های مختلف رساله ما را متوجه آن می‌کند که احکام منطوی در کتاب مقدس نمی‌تواند و نشاید الگو و نسخه‌ای برای سامان‌دادن اوضاع و موقعیت‌های گوناگون سیاست باشد. او می‌کوشد تا با تمایز نهادن میان قانون الهی، یعنی شناخت خدا و عشق‌ورزیدن به او، و قانون آئینی مختص هر دوران امور اخلاقی برآمده از کتاب مقدس را بن‌مایه پژوهش امر سیاسی بداند.

به‌باور بگلی و با تکیه بر فقرات ۶۹ و ۷۱ رساله، آموزه کتاب مقدس که آموزه وحی، دین، ایمان، و تقواست خواست دیگری می‌تواند داشت و آن پیروی و سرسپردگی است.

این امر می‌تواند فضیلت و تشریک مساعی انسان‌ها را در آموزه‌ای هم‌چون عشق‌ورزیدن به همسایه به‌سان خویش اعتلا بخشد و این می‌تواند برای آدمی رستگاری را در هر دو جنبه الهیاتی و سیاسی به‌ارمغان آورد (Bagley 2008: 185).

۱.۱. بخش چهارم خوانش: فلسفه، الهیات، و سیاست (Philosophy, Theology, and Politics)

در این بخش بگلی با تجمیع آرای سه بخش پیش تمهیدی می‌اندیشد تا به سخن فرجامین (epilogue) کتاب برسد. با پیش‌فرض خداشناختی اسپینوزا، یعنی این‌که خدا هست و آن با طبیعت «همان» است، بگلی مدعی است که این پیش‌فرض اسپینوزا را موسای جدید و مدرن کرده است. به‌باور بگلی، تمسک اسپینوزا به تفسیر آموزه‌های وحیانی کتاب مقدس راه باور به وجود خدا را برای او هموار کرده است. این باور پیروی از قوانین و مرجعیت‌های وضع‌شده و اعتقاد به آموزش گناهان را به‌هم‌راه خواهد داشت؛ این باور عشق به همسایه و نیز جزای غفلت از آن را در کانون توجه دارد و ایمان، تقوا، و درمورد هر بحث الهیاتی‌ای که با رژیم سیاسی دموکراتیک در برهم‌کنش است پژوهش می‌کند. به‌تعبیری، اسپینوزا با تقلید از مدل رژیم خدامدار عبری موسی می‌کوشد رستگاری الهیاتی و سیاسی را به‌ارمغان آورد. از این‌روست که می‌توان از عنوان موسای زمانه یا موسای جدید (the new Moses) برای اسپینوزا بهره گرفت. بگلی به ما توجه می‌دهد که «موسای جدید» می‌کوشد حکومت خدامدار را بر دانش طبیعی و فلسفی و در مسیر بهبود اوضاع بشر خودمحمور بنا کند. بگلی معتقد است که رساله اسپینوزا را می‌توان، با شناخت دقیق او از الف) فایده الهیات و دین و ب) سرشت بشر و فلسفه‌ورزی در علت چیزها، پیام‌آور اندیشه‌های نو در ۱. تفسیر دین و اندیشه‌ورزی در آن و ۲. تحکیم بنیان‌های حکومت‌های دموکراتیک دانست (ibid.: 243-244).

۱.۲. قوت‌ها و کاستی‌های اثر

درباب قوت این اثر و دلیل‌گزینش آن پیش‌تر به‌اجمال سخنی گفته شد و تکرار آن اطناب در کلام است. در این‌جا فقط بایسته است استفاده بگلی از منابع وزین را افزود که بی‌تردید آن را اثری اصیل کرده است. اما درباب کاستی اثر بگلی، از دو منظر صوری و محتوایی، می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد.

- کاستی‌های اثر از منظر صوری:

۱. کتاب فاقد فهرست تفصیلی است. گرچه این امر خود به‌تنهایی نمی‌تواند دلیلی بر کاستی اثری باشد، اما هنگامی که کتابی هم‌چون کتاب بگلی می‌کوشد تا بیست فصل از رساله اسپینوزا را در خود جای دهد، بایسته است که زیرفصل‌ها و به‌تبع آن فهرستی تفصیلی از فصول داشته باشد؛
۲. بی‌شک، کتابی با این حجم از دقت و ژرگانی و بهره‌بردن از اصل لاتینی اثر می‌تواند فهرستی توصیفی از اصطلاحات فنی تحت نام (glossary) داشته باشد که این اثر فاقد آن است؛
۳. نظر به وجود نمایه اشخاص در این کتاب، می‌توان گفت دیگر نمایه‌ها (نمایه موضوعی، نمایه مکان، و ...) نیز می‌تواند راه‌گشای خواننده باشد.

- کاستی‌های اثر از منظر محتوایی:

۱. بگلی رهی می‌پوید که اسپینوزا در جای‌جای رساله و به‌ویژه در باب تفسیر متون مقدس پیموده است و آن نقد درونی و تفسیر متن با خود متن است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، توجه به نقد درونی به‌گمان راقم این سطور برترین مرتبت راستی در پژوهش علمی است. اما از سوی دیگر نقد بیرونی و مصاف اندیشه‌های موافق و مخالف و نیز آرای دیگر شارحان در اعتلای پژوهش انکارنشده است. اثر بگلی در نقد بیرونی کم‌تر جلوه کرده است. باوجود استفاده او از منابع معتبر، کم‌تر شاهد تحلیل اثر اسپینوزا از منظر و ملجأ دیگر شارحان و متفکران هستیم؛
۲. بگلی عمدتاً بر پیش‌فرض‌های خداشناختی و هستی‌شناختی تمرکز دارد، این در حالی است که پیش‌فرض‌های تعلیم و تربیت اسپینوزا می‌تواند در رساله و در خدمت اخلاق فردی و اخلاق جمعی، یعنی سیاست، بررسی و تحلیل شود؛
۳. گاه در کتاب شاهد اطناب کلام هستیم که خواننده را به صرف انرژی مضاف وامی‌دارد. به‌تعبیر دیگر، وحدت و انسجام درونی موضوع فدای توضیح واضحات می‌شود.

۱۳. نتیجه‌گیری

باوجود کاستی‌های صوری و محتوایی، کتاب بگلی اثر شایسته‌ای است که می‌تواند ره‌گشای پژوهش‌گر در بررسی آرای الهیاتی - سیاسی اسپینوزا باشد. استفاده از منابع

دست‌اول و بهره‌گیری از نسخه لاتینی رساله به ما نوید می‌دهد که با اثری اصیل مواجهیم. همان‌گونه که اشاره شد، بگلی معتقد است که اسپینوزا موسی و پیامبر مدرن است، زیرا موازین الهیاتی و سیاسی و اخلاقی کتاب مقدس را به سان موسی تقلید و بازتعریف می‌کند. تفاوت او با موسای نبی تنها در آن جاست که اسپینوزا با تبیین فلسفی و طبیعت‌باورانه به این کار دست می‌یازد.

هریک از کاستی‌های محتوایی کتاب بگلی، تاجایی که نگارنده دریافته است، می‌تواند موضوع و رهنمایی باشد برای دیگر مطالعات اسپینوزاشناسی. بی‌شک، تلاش در نگارش آثاری از این دست به زبان فارسی فرهنگ و ادبیات اندیشه‌ای ما را اعتلا می‌بخشد. کار بگلی با تمرکز بر نقد بیرونی رساله رنگ و لعاب دیگری می‌گرفت که این خلأ خود می‌تواند موضوع کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های پژوهشی باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. زین پس به اختصار و به صورت ایرانیک می‌نویسیم خوانش.
2. *Piety, Peace, and the Freedom to Philosophize*
3. *Supplements to The Journal of Jewish Thought and Philosophy*
4. *The Life and Thought of Hans Jonas: Jewish Dimensions*
۵. سعادیا بن یوسف گائون، فیلسوف یهودی مصری سده نهم میلادی.
۶. زین پس به اختصار و به صورت ایرانیک می‌نویسیم رساله.
۷. معادل‌ها صرفاً برای افاده معناست و در ترجمه آن‌ها بیش از این باید تأمل کرد.
8. *Cum melior pars nostri sit intellectus*: یعنی عقل هم‌چون برترین جزء آدمی
۹. بگلی در این قسمت یکی از نکات واژگانی اسپینوزا را آشکار می‌کند و آن دو واژه مهم الهیات و دین است که اسپینوزا بی‌آن‌که تأکید زیادی بر تمایز آن دو داشته باشد آن‌ها را به جای هم به کار می‌برد.
۱۰. اسپینوزا در بخش نخست اخلاق ذیل قضایای ۲۹ و ۳۳ چنین می‌نویسد:
قضیه ۲۹: ممکن در عالم موجود نیست، بلکه وجود همه اشیا و نیز افعالشان، به موجب ضرورت طبیعت الهی، به وجه معینی موجب شده‌اند.
قضیه ۳۳: ممکن نبود اشیا به صورتی و نظامی دیگر جز صورت و نظام موجود به وجود آیند (اسپینوزا ۱۳۹۰: ۴۹-۵۴).

بررسی کتاب *فلسفه، الهیات، و سیاست*: ... (سیدمصطفی شهرآیینی و محمدسینا میرزایی) ۲۸۳

۱۱. در بخش پنجم از *اخلاق* ذیل قضیه ۲۴ می‌خوانیم: ما هر اندازه اشیای جزئی را بیش‌تر بفهمیم، به همان اندازه خدا را بهتر خواهیم فهمید (اسپینوزا ۱۳۹۰: ۳۱۰).

۱۲. در برهان قضیه ۲۷ از بخش پنجم *اخلاق* می‌خوانیم: عالی‌ترین فضیلت نفس شناخت خدا یا فهم اشیا با نوع سوم شناخت است (همان: ۳۱۰). ... اسپینوزا پیش‌تر ما را متوجه آن می‌کند که نوع سوم شناخت از تصور تامّ صفات معین خدا منتشی می‌شود و به شناخت تام ذات اشیا منتهی می‌شود (ذیل برهان ۲۵ در بخش پنجم قضیه ۲۵).

کتاب‌نامه

اسپینوزا، باروخ (۱۳۹۰)، *اخلاق*، ترجمه محسن جهانگیری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Bagley, Paul J. (2008), *Philosophy, Theology, and Politics: A Reading of Benedict Spinoza's Tractatus Theologico-Politicus*, Boston: Brill.

Frank, Daniel and Jason Waller (2016), *Spinoza on Politics*, New York: Routledge.

Harrisville, Roy A. and Walter Sundberg (2002), *The Bible in Modern Culture: Baruch Spinoza to Brevard Childs*, Cambridge: Eerdmans Publishing Co.

James, Susan (2012), *Spinoza on Philosophy, Religion, and Politics: The Theologico-Political Treatise*, Oxford: Oxford University Press.

Jarrett, Charles E. (2007), *Spinoza: a Guide for the Perplexed*, London: Continuum.

Melamed, Yitzhak and Michael Rosenthal (eds.) (2007), *Spinoza's Theological-Political Treatise: A Critical Guide*, Cambridge: Cambridge University Press.

Nadler, Steven and T. M. Rudavsky (eds.) (2008), *The Cambridge History of Jewish Philosophy*, Cambridge: Cambridge University Press.

Peters, Edward (1995), "Jewish History and Gentile Memory", *The Expulsion of 1492 Jewish History*, vol. 9, no. 1.

Spinoza, Baruch (1985), *The Collected Works of Spinoza*, trans. E. Curley (ed.), vol. 1, Princeton: Princeton University Press.

Spinoza, Baruch (2007), *The Theological-Political Treatise*, J. Israel (ed.), Cambridge: Cambridge University Press.